

## بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد

دکتر هما زنجانی‌زاده<sup>۱</sup>، دکتر ابراهیم صالح‌آبادی<sup>۲</sup> و ندا جعفریان یزدی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۳/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۴

### چکیده:

این پژوهش با رویکردهای مختلفی به ویژه رویکرد عاملیتی بوردیو، پاتنام، باندورا، فوکویاما به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر خشونت و عوامل مرتبط با آن می‌پردازد. جامعه‌ی آماری این تحقیق زنان متأهل شهر مشهد با حجم نمونه‌ی ۱۹۶ نفر است که از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با تخصیص مناسب انتخاب شده‌اند. روش تحقیق پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته است. عوامل مورد بررسی خشونت، سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت خانوادگی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و زنان متأهل شهر مشهد است. نتایج تحلیل آماری موجود در تحقیق نشان می‌دهد که تنها ۹/۷۴ درصد از زنان هیچ‌وقت مورد ضرب و شتم همسرانشان قرار نمی‌گیرند و ۶۲ درصد بیشتر اوقات مورد خشونت بدنی قرار می‌گیرند؛ بطور کلی با توجه به آمارهای موجود می‌توان گفت بین سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی معکوس وجود دارد یعنی هر چه سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر خشونت کمتری نسبت به زنان وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: خشونت، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، زنان متأهل مشهد، حمایت خانوادگی

<sup>۱</sup> دانشجویار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد homa009@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده‌ی مسئول)

abrahimsalehabadi@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد قوچان nedajafarian33@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

یکی از حوزه‌های مطالعه در باب سرمایه‌ی اجتماعی، بررسی فقدان حضور آن به مثابه عامل تأثیرگذار بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های مجرمانه در اجتماع است. یکی از مسائل اجتماعی که مبتلا به همه‌ی جوامع و مخصوصاً جوامع سنتی و در حال گذار است، مسأله‌ی خشونت خانگی علیه زنان است که بازتاب نبود سرمایه‌ی اجتماعی است.

بنا به تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ خشونت خانگی عبارت است از "هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج زنان می‌شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ می‌دهد (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۳۰).

خشونت خانگی به انواع چهارگانه‌ی خشونت عاطفی و روانی، خشونت اجتماعی و اقتصادی، خشونت فیزیکی تقسیم می‌شود. رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت خانگی علیه زنان حداقل در سه حوزه‌ی مطالعاتی بررسی می‌شود:

دسته‌ی اول متفکرانی هستند که به مطالعه‌ی پیامدهای سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی متغیری مستقل پرداخته‌اند و تأثیرات منتقدان آن را بر بروز آسیب‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۵).

دسته‌ی دوم اندیشمندانی هستند که موضوع مطالعه‌ی آنها خشونت خانگی علیه زنان است و از این منظر به کندوکاو پیرامون عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که از این جمله می‌توان به نظریه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی اشاره کرد (روی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۱).

دسته‌ی دیگر متفکرانی هستند که به بحث توانمندسازی زنان پرداخته‌اند و معتقدند که ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی یکی از منابع در دسترس خانواده‌ها و زنان می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد (گود، ۱۹۸۹؛ درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۴). پژوهش حاضر در صدد است که از دریچه‌ی روابط حاکم در خانواده به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد بپردازد.

## اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت این موضوع یعنی بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر خشونت علیه زنان از این لحاظ است که اولاً بدانیم در هر خانواده میزان سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

چقدر است؟ و تأثیر سرمایه‌ها بر خشونت علیه زنان در خانواده چقدر است؟ تا از این طریق با ارائه‌ی راهکار جهت افزایش سرمایه‌ها از میزان خشونت در خانواده بکاهیم.

ثانیاً خشونت شوهران علیه زنان از جمله موانع اصلی در سلامت و تحکیم خانواده است زیرا که زن و مرد عناصر و اساس پایداری خانواده می‌باشند و ادامه‌ی موجودیت خانواده متکی به آنهاست از آنجا که زنان موجب امنیت خاطر و شکل‌گیری پیوندهای اخلاقی، عاطفی خانواده می‌باشند و آنها وظیفه‌ی تربیت و پرورش نسل آینده را به عهده دارند باید در محیطی از صلح و آرامش و احترام قرار گیرند؛ لذا شناخت عواملی که زمینه‌ساز خشونت علیه زنان در خانواده می‌شود حائز اهمیت می‌باشد.

ثالثاً بررسی خشونت علیه زنان در خانواده نه تنها از لحاظ فردی و خانوادگی مهم است بلکه از نظر اجتماعی نیز دارای اهمیت می‌باشد، زیرا اثرات خشونت شوهران علیه زنان تنها به زنان محدود نمی‌شود بلکه شوهران و فرزندان و به طور کلی خانواده و جامعه را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد (قاسم‌زاده، ۱۳۷۵).

زنان بعنوان نیمی از جمعیت نقش غیرقابل‌انکاری در توسعه و پیشرفت جامعه دارند؛ بنابراین باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. خشونت علیه زنان در جامعه پیامدهای بسیار نامطلوبی بر جای می‌گذارد. بطور خلاصه بعضی از پیامدهای زیان‌بار خشونت شامل خدشه وارد شدن به کرامت انسانی و ذاتی زنان، ایجاد ترس و عدم امنیت در زندگی زنان و ایجاد مشکلات بهداشتی و جسمانی برای زنان می‌شود. خشونت شوهران نسبت به زنان در خانواده در یک دایره‌ی معیوب به خشونت در جامعه و خانواده منجر خواهد شد؛ زیرا خانواده شالوده و زیربنای جامعه به حساب می‌آید و سلامت جامعه مستلزم سلامت خانواده‌ها می‌باشد اهمیت کاربردی این پژوهش این است که می‌تواند سیاست‌هایی را جهت ارائه‌ی خدمات به قربانیان خشونت اتخاذ نمایند و از این طریق به کاهش بروز خشونت در خانواده، بهبود و حفظ سلامت و استحکام خانواده کمک مؤثری نمایند.

محقق هم با مشاهده‌ی ناگوار پیامدهای خشونت در اطراف زندگی خود، بر حسب علاقه‌ی شخصی این موضوع را انتخاب کرده است تا هم جوابگوی حس درونی خود باشد و هم گامی در جهت شناخت موضوع و عوامل مؤثر بر آن برداشته باشد تا شاید سهمی ناچیز در جهت شناسایی و کاهش این خشونت با ارائه راهکارهای این پژوهش به مراکز بررسی کننده موضوع برداشته باشد.

## مبانی نظری پژوهش

### نظریه‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی

از نظر دورکیم، انسجام اجتماعی مؤلفه‌ی اصلی عمل و رفتار اجتماعی است و اساس آن را اخلاقیات یا مقررات اخلاقی تشکیل می‌دهد که به عقیده‌ی وی عبارت است از «مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی که کردار انسان را راهنمایی و مهار می‌کند. وجود این رهنمودها بدین معنی است که افراد مطابق با تعهدات خود به دیگران و به طور کلی به جامعه، به کنش متقابل دست می‌زنند، از این رهگذر، افراد از حقوق و میزان مشارکت خود در ایجاد همبستگی اجتماعی شناخت پیدا می‌کنند؛ لذا اخلاقیات برای ایجاد همبستگی میان مردم بسیار ضروری هستند، بدون اخلاقیات جامعه نمی‌تواند به بقاء خود ادامه دهد» (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۹۹).

دورکیم معتقد است که در عصر حاضر رشد فعالیت‌های اقتصادی، شهرگرایی، فردگرایی، تخصص‌گرایی، حرفه‌ای و رشد دولت بروکراتیک، موجب سستی و از میان رفتن کارکردهای خانواده، مذهب، منطقه و همسایگی شده‌اند که سابقاً مکانیزم‌هایی در جهت پیوند افراد به جمع بوده‌اند (ترنر، ۱۳۷۱: ۳۹۱). ضعف پیوندهای اجتماعی به نوبه‌ی خود اعتماد اجتماعی را تضعیف می‌کند. دورکیم تقویت پیوندهای عاطفی میان آحاد اجتماعی و علاقه‌ی متقابل در اعضاء گروه‌های اجتماعی را چاره‌ساز دانسته و معتقد است وجود گروه‌های حرفه‌ای که افراد را در ارتباط شخصی و نزدیک با دیگران قرار می‌دهند، می‌توانند زمینه‌ساز تقویت پیوندهای اجتماعی و در نتیجه اعتماد متقابل باشد (کمالی، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۸).

بر اساس نظر جورج زیمل<sup>۱</sup>، جامعه‌ی بافتی از کنش‌های متقابل و الگودار است و وظیفه‌ی جامعه‌شناسی بررسی صورت‌های این کنش‌ها است، درست همچنان که در دوره‌های گوناگون تاریخی و در زمینه‌های متنوع فرهنگی پیوسته رخ می‌دهد (کوزر، ۱۳۷۲: ۲۴۷). کنش دوسویه واقعیت بخشیدن به یک واحد، یک جامعه یا یک جامعه‌پذیری است (استونز، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

هیرشی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است که کج رفتاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد، جامعه ضعیف شده و یا گسسته شود.

<sup>۱</sup> George Simmel

پیوند اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۷). کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی یعنی عناصر کلیدی سرمایه‌ی اجتماعی، عناصر ضروری پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشند (سلمی و کیویوری، ۲۰۰۶: ۱۲۶).

روش‌شناسی هربرت بلومر<sup>۱</sup> طبیعت‌گرایانه است و آن به این معنا است که طیف جهان تجربی را به گونه‌ای که در جهان خارج است بشناسیم، به صورت مفاهیمی که در خود واقعیت موجود هستند و حیات دارند و دائماً در فرآیند شدن و بازآفرینی مورد توجه قرار می‌گیرند. دنیای تجربی، یک دنیای زنده و در حال حرکت است و همواره در حال نو شدن می‌باشد. جهان تجربی از نظر بلومر، محل برخورد‌های واقعی مردم یا تشکیل کنش متقابل نمادی است و باید در همانجا نیز مورد آزمون قرار گیرد. تجربه به معنی تعمق و ژرف‌نگری در زندگی واقعی و عملی مردم، آن‌گونه که به واقع هست (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۶۰-۴۵۹).

بلومر صراحتاً تأکید می‌کند که انسان در مقابل شرایط اجتماعی که در برابر آن قرار دارد و قرار است در برابر آن شرایط با اشاره‌ی معانی به خویشتن خویش و تفسیر آن معانی به کنش پردازد، می‌بایستی ظرف وجودی خاصی داشته باشد. او از این توانمندی و ظرف وجودی به عنوان یک ساخت بحث می‌کند که می‌توانسته است در فرآیند تکاملی متناسب با حیات بشری با کنش متقابل اجتماعی تنظیم شده باشد (تنهایی، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۶).

نقطه‌ی آغاز هستی‌شناسی آنتونی گیدنز<sup>۲</sup> دیالکتیک میان فعالیت‌ها و شرایط است که در زمان و مکان رخ می‌دهد (ریتزر، ۱۹۸۸: ۴۸۸). اعتماد به شیرازه‌ی زمان و مکان مربوط می‌شود؛ زیرا اعتماد یعنی ضمان و تعهد دادن به شخص، گروه یا نظام در طول زمان آینده. اندیشه و اعتماد نیز یک اندیشه‌ی مدرن است. ریسک و اعتماد به طور تنگاتنگی به یکدیگر مربوطند. اعتماد به یک شخص، یا به یک نظام، به طور مثال نظام بانکی - به معنی انطباق با ریسک است، در حالی که قبول ریسک می‌تواند به معنی ایجاد اعتماد باشد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۵).

<sup>۱</sup> Herbert Blumer

<sup>۲</sup> Giddens Anthoni

بر اساس نظریه‌ی پارسونز<sup>۱</sup>، کنش‌های اجتماعی تحت تأثیر متغیر انسانی و اجتماعی شکل می‌گیرند: اولین متغیر شخص کنشگر می‌باشد که دارای شخصیت، باورها، اعتقادات، تمایلات و نیازهای خاصی می‌باشد، که بر اساس آنها اهدافی را برای خود تعریف می‌نماید. دومین عامل، ساختار اجتماعی است که موجب شکل‌گیری پایگاه‌ها و تعریف نقش‌هایی می‌شود که فرد کنشگر با استقرار در پایگاهی خاص در درون آن، نقش‌های محول خاصی را عهده‌دار می‌شود که ملزم به رعایت آنها است؛ و اما سومین عامل، فرهنگ سازنده‌ی آن نظام اجتماعی است. فرهنگ شامل: مجموعه‌ی ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها و احساساتی است که جوهره‌ی ساختار و روابط اجتماعی را شکل داده، کنترل می‌کند. افراد از یک طرف از طریق درونی کردن آن طی فرآیند جامعه‌پذیری و از طرف دیگر بواسطه‌ی الزام اجتماعی، در کنش خود محدود به رعایت ارزش‌ها و رفتار در چارچوب هنجارها می‌باشند (کرایب، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۲).

چلبی در نظریه‌ی خود علاوه بر تأثیر روابط اظهاری و ابزاری بر اعتماد بین شخصی به بررسی نقش این‌گونه روابط بر اعتماد تعمیم یافته می‌پردازد. به اعتقاد او تمایل به ایجاد روابط اظهاری و تمایل به ایجاد روابط ابزاری معکوس یکدیگر هستند. در ارتباط با ترکیب روابط ابزاری و اظهاری در جامعه‌ی مدنی و انجمن‌های داوطلبانه، ترکیب و روابط مذکور در سنخ‌شناسی دوقطبی تونیس مفهوم خود را از دست می‌هد. به این معنا که ما دیگر، با یک "اجتماع" یا "جامعه‌ی ناب" مواجه نیستیم، بلکه با ترکیبی از این دو که در قالب "اجتماع جامعه‌ای" مطرح می‌شود سروکار داریم. مشخصه‌ی اجتماع جامعه‌ای، این است که ویژگی‌های مثبت اجتماع و جامعه مورد نظر تونیس را دارا است.

بنابراین بر اساس دیدگاه دوم (شکل‌گیری اعتماد در درون "ما" یا "اجتماع") پایه‌های اعتماد بر احساسات جمعی استوار است. با شکل‌گیری "ما" بعد عاطفی آشکارتر می‌شود و افراد نسبت به هم نوعی دلبستگی عاطفی پیدا می‌کنند و دیگر صرفاً به خاطر رفع نیازهای مادیشان (دنبال کردن منافع شخصی) با دیگران رابطه برقرار نمی‌کنند. آنها دیگر هموعان خود را رقیب و دشمن نمی‌پندارند و از اینکه در میان آنها هستند احساس امنیت می‌کنند و این خود اتحاد میان آنها را تقویت می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵).

<sup>۱</sup> Parsons Anthony

### نظریات کلاسیک سرمایه اجتماعی

جیمز کلمن<sup>۱</sup> از جامعه‌شناسان مشهوری است که رواج اصطلاحی سرمایه‌ی اجتماعی بشر مدیون اوست. او از سرمایه‌ی اجتماعی برای تبیین تفاوت‌ها در زندگی افراد استفاده می‌کند. کلمن اولین محققى بود که بررسی تجربی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و عملیاتی نمودن آن پرداخت (کلمن، ۱۹۹۸).

به اعتقاد وی سرمایه‌ی اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا مانع می‌شوند (همان).

به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و مضافاً کنش‌های معین افرادی را که در درون این ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می‌سازد.

بورديو<sup>۲</sup> سرمایه‌ی اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می‌داند. سرمایه از نظر او سه شکل بنیادی دارد. "سرمایه‌ی اقتصادی" که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد می‌تواند به شکل حقوق مالکیت، نهادینه شود. "سرمایه‌ی فرهنگی" که در برخی شرایط به سرمایه‌ی اقتصادی مبدل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌گردد و "سرمایه‌ی اجتماعی" که از الزامات اجتماعی "پیوندها" ساخته شده است و تحت برخی شرایط به سرمایه‌ی اقتصادی تبدیل می‌گردد.

از نظر بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۱).

بورديو جزو اولین محققانی بود که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه‌ی اجتماعی پرداخت. بر اساس تعریف بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه‌ی مالکیت شبکه‌ی با دوامی از روابط نهادی شده میان افراد و به

<sup>۱</sup> Coleman

<sup>۲</sup> Bourdieu

عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود شبکه‌ی پیوندها می‌باشد. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاص باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

به اعتقاد بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی بعنوان شبکه‌ای از روابط یا یک ودیعه‌ی طبیعی یا یک ودیعه‌ی اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت و باز تولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۵۱).

نام پاتنام بیش از همه با مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی پیوند خورده است. زیرا او با موفقیت توانست این مفهوم را از حلقه‌ی علمی و آکادمیک خارج کند و وارد عرصه‌ی رسانه‌ها نماید (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۵).

پاتنام با بررسی نواحی ایتالیا و طرح سؤالاتی پیرامون شرایط ضروری برای شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی، جایگاه تازه‌ای به تئوری سرمایه‌ی اجتماعی داد و موقعیت این تئوری را در ادبیات اجتماعی به نحو محسوسی ارتقا بخشید.

پاتنام به گونه‌ای متمایز از بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی را تعریف می‌کند. به نظر او سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۷). به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازد.

به نظر پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی، دوستان و خویشاوندان، مبنی هنجار متقابل، دواطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع انسانی و اساساً اجتماعی هستند. سرمایه‌ی اجتماعی کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش‌های اجتماعی را حل می‌کند. شبکه‌های تمدن مدنی (انجمن همسایگی، انجمن‌های تعاونی، کلوپ‌های ورزشی احزاب) عناصر اصلی سرمایه‌ی اجتماعی



هستند، چرا که آنها تقویت‌کننده‌ی مؤثر هنجارهای عمل متقابل می‌باشند (وینتر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

ادعای پاتنام این است که وجود فرهنگ مدنی قوی یا سرمایه‌ی اجتماعی، بستر شکل‌گیری دموکراسی و رشد اقتصادی می‌باشد. پاتنام معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی اثرات نیرومندی بر ابعاد گوناگون زندگی دارد. برخی از این اثرات عبارتند از: میزان پایین آمدن جرم و جنایت (هالپرن، ۱۹۹۹ و پاتنام، ۲۰۰۰)، بهداشت بهتر (ویلیکینسون، ۱۹۹۶)، طول عمر بیشتر (پاتنام، ۲۰۰۰)، موفقیت بیشتر (کلمن، ۱۹۸۸)، سطوح برابر درآمدی (ویلیکینسون، ۱۹۹۶؛ کراچی و دیگران ۱۹۹۷) رفاه بیشتر برای کودکان و سوء استفاده‌ی کمتر از آنها (کوت و هیلی، ۲۰۰۱)، فساد اداری کمتر و عملکرد بهتر. دستگاه‌های دولتی (پاتنام، ۱۹۹۵) و عملکرد بهتر اقتصاد از طریق اعتماد بیشتر و کاهش هزینه‌های معامله با یکدیگر (فوکویاما، ۱۹۹۵)؛ تفاوت عمده بین پاتنام با کلمن و بوردیو در این است که پاتنام این مفهوم را فراتر از سطح فردی در سطح ملی به کار گرفته است (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵).

از نظر فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی عبارتست از: هنجارهای غیر رسمی جافتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. دامنه‌ی هنجارهایی که سرمایه‌ی اجتماعی را به وجود می‌آورند، می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جز به جز ادیان مانند مسیحیت و یا آئین کنفوسیوس را در برگیرد، آنها باید در رابطه‌ی انسانی واقعی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سر و کار داشتن با تمام مردم به طور بالقوه وجود دارد، اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. با این تعریف اعتماد، شبکه‌ها، جامعه‌ی مدنی و مواد دیگری که با سرمایه‌ی اجتماعی همراه هستند، تماماً آثار و نتایج سرمایه‌ی اجتماعی را تشکل نمی‌دهند، آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند؛ و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی چون صداقت، پایبندی به تعهدات، عملکرد قابلیت اطمینان در انجام وظایف (وظیفه‌شناسی) رابطه‌ی متقابل و نظیر آن مرتبط هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه‌ی اجتماعی می‌کنند، تقسیم‌پذیرند؛ یعنی می‌توانند تنها میان گروه معدودی از مردم از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. در حالی که سرمایه‌ی اجتماعی در همه‌ی جوامع وجود دارد،

<sup>۱</sup> winter

اما نمی‌تواند به طریق مختلف توزیع گردد. سرمایه‌ی اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد. هنجارهایی که شالوده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنا دارند که بیش از یک نفر در آن سهیم باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳).

نان لین<sup>۱</sup> با طرح "نظریه‌ی منابع اجتماعی"<sup>۲</sup> مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از منابع نهفته<sup>۳</sup> در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی بهتر منجر شود. بر همین اساس لین در سال‌های اخیر (۱۹۸۸)، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را برای طرح نظرات پیشین خود برگزیده و آن را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب از نظر لین، سرمایه‌ی اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این‌گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این‌گونه منابع اجتماعی در کنش‌های هدفمند (لین، ۱۹۹۹: ۷).

لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند و لذا سرمایه‌ی اجتماعی افراد را بر حسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم دارد قابل سنجش می‌داند. البته دستیابی به منابع و استفاده از آنها خود متأثر از موقعیت فرد در ساختار سلسله مراتبی موجود در جامعه است. او منابع نهفته و (موقعیت‌های شبکه‌ای<sup>۴</sup>) را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌کند و نتایج سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری<sup>۵</sup> و کنش اظهاری<sup>۶</sup> طبقه‌بندی می‌نماید. برای کنش ابزاری سه‌گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را مطرح می‌کند:

بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و بازدهی اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می‌نویسد: (به نظر من شهرت یکی از شاخص‌های بازدهی اجتماعی است.

<sup>1</sup> Lin Nan

<sup>2</sup> social resource theory

<sup>3</sup> embedded resource

<sup>4</sup> location net work

<sup>5</sup> instrumental action

<sup>6</sup> expressive action

شهرت را می‌توان به مثابه نظرات مساعد یا نا مساعد درباره‌ی فرد در یک شبکه‌ی اجتماعی تعریف کرد (لین، ۱۹۹۹: ۱۱).

### نظریات جدید سرمایه اجتماعی

#### ایمر فال و نارایان<sup>۱</sup>

ایمر فال در بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سه سطح متفاوت را مشخص کرد:

- ۱- سطح روابط میان فردی مانند خانواده، دوستان و همسایگان
  - ۲- سطح اجتماعات و سازمان‌های واسطه‌ای مانند کلوپ‌ها، شرکت‌ها و احزاب
  - ۳- سطح کلان نهادهای اجتماعی
- نارایان بین سه سطح سرمایه‌ی اجتماعی تمایز قائل شد:
- ۱- سرمایه‌ی اجتماعی در درون گروه‌های ابتدایی که او آن را سرمایه‌ی اجتماعی *Bonding* می‌نامد.
  - ۲- پیوندهایی (*Cross-Cutting*) که گروه‌های اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد، سرمایه‌ی اجتماعی *Bridging* نامیده می‌شود.
  - ۳- کارکرد نهادهای رسمی دولتی (نارایان، ۱۹۹۹).

#### برگر و اشمیت<sup>۲</sup>

برگر - اشمیت سرمایه‌ی اجتماعی را دارای عناصر زیر می‌داند:

- وجود روابط اجتماعی
- فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی
- کیفیت روابط اجتماعی
- کیفیت نهادهای اجتماعی (برگر و اشمیت، ۲۰۰۰: ۸).

<sup>1</sup> Narayan

<sup>2</sup> Berger & Schmitt

استون<sup>۱</sup>

استون معرف‌های سرمایه‌ی اجتماعی را به معرف‌های دور و نزدیک طبقه‌بندی می‌کند. معرف‌های نزدیک سرمایه‌ی اجتماعی، نتایج سرمایه‌ی اجتماعی هستند که شامل: اجزایی مانند اعتماد، عمل متقابل و شبکه‌های اجتماعی هستند.

فعالیت‌های مدنی بعنوان معرف شبکه‌های اجتماعی مثالی از معرف نزدیک سرمایه‌ی اجتماعی هستند. این رویکرد در تحلیل پاتنام (۱۹۹۵)، مشهور شد که از کاهش مشارکت مدنی در آمریکا صحبت کرد. معرف‌های دور، نتایج سرمایه‌ی اجتماعی هستند که بطور مستقیم به اجزای کلیدی مربوط نیستند؛ مثال‌هایی از معرف‌های دور عبارتند از امید به زندگی، وضعیت سلامتی، نرخ‌های خودکشی، بارداری در سنین نوجوانی، نرخ بیکاری، درآمد خانواده، طلاق (اسپلبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۴۴-۴۳).

هر یک از نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر یک مؤلفه آن را شاخص مهم‌تری برای ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند و سطح‌های متفاوتی از جامعه را به بررسی و پژوهش در رابطه با سرمایه‌ی اجتماعی اختصاص داده‌اند. به طور مثال بورديو و فوکویاما، بیشتر به عنصر شبکه‌ی اجتماعی تأکید دارند و آن را نیز به صورت ابزاری در نظر می‌گیرند و معتقدند که شبکه‌ی اجتماعی فرد باعث تسهیل کنش و دستیابی فرد به اهداف شخص یا اجتماعی‌اش می‌شود و به مؤلفه‌ی اعتماد به صورت یک متغیر مستقل و اسطه‌ای تأکید دارند.

همچنین بورديو سرمایه‌ی اجتماعی را بعنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌ی اقتصادی می‌داند. برعکس، کلمن، با برجسته‌سازی بعد اعتماد، معتقد است که اعتماد چه در سطح فرد و چه در سطح کلان بعنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا افراد از طریق این منبع بتوانند کنش خود را تسهیل کرده و به اهداف و علایق خود برسند. پاتنام، نظریه‌پرداز دیگر سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان دنباله‌رو راه کلمن دانست با این تفاوت که وی از سرمایه‌ی اجتماعی تعریف کار کردی ارائه کرده و بر این باور است که شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند؛ اما مسئله‌ی مهم در شبکه‌ی اجتماعی این است که چگونه شبکه‌ی اجتماعی، انواع دیگر سرمایه‌ی اجتماعی که شامل اعتماد و تعهد اجتماعی می‌شود را از راه کنش بین مشارکت‌کنندگان فردی ایجاد می‌کند. از نظر پاتنام اصطلاح سرمایه‌ی

<sup>۱</sup> Stone

<sup>۲</sup> Spellerberg

اجتماعی به دامنه‌ی وسیعی از منفعت‌های کاملاً ویژه‌ای اشاره دارد که از اتحاد، رابطه‌ی متقابل و همکاری مرتبط با شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود؛ بنابراین بر اساس نظریه‌های ذکر شده سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع دانست که افرادی برای رسیدن به منافع خود و تسهیل کنش و روابط میان یکدیگر از آن استفاده می‌کنند و سه مؤلفه‌ی مشترک در همه‌ی نظریه‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد: اعتماد اجتماعی، تعاملات و ارتباطات و مشارکت اجتماعی.

### نظریه‌های مرتبط با خشونت

#### مبانی نظری

بخشی از نظریات مربوط به "خشونت شوهران بر ضد زنان خانواده" به دنبال شناخت الگوها و عواملی ساختاری‌اند که خانواده را مستعد خشونت می‌سازد (نظریه‌های سطح کلان) که از آن جمله‌اند. نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت و نظریه‌ی فمینیستی، بخشی دیگر از نظریات رفتار و کنش متقابل بین اعضای خانواده را تبیین می‌کنند (نظریه‌های سطح میانه و خرد)، مانند نظریه‌های منابع و یادگیری اجتماعی، هر کدام از این نظریه‌ها به بعضی از عوامل زمینه‌ساز خشونت شوهران علیه زنان توجه می‌کنند، در صورتی که پدیده‌ی خشونت علیه زنان دارای هستی چند بعدی است و باید آن را به مدد نظریه‌های گوناگونی که هر کدام در قالب رویکرد متفاوتی قابل بحث هستند، بررسی کرد.

#### نظریه‌ی یادگیری اجتماعی

این نظریه را باندورا در دهه‌ی ۱۹۹۰ مطرح کرد. به اعتقاد او فرزندان از طریق والدین خود خشن بودن را می‌آموزند. مشاهده و تجربه‌ی بدرفتاری از ناحیه‌ی والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز توسط مرد و آموختن تحمل زن می‌شود (فوروارد، ۱۳۷۷ : ۱۷۷)؛ به ویژه مطالعات تأیید کرده است که میزان خشونت در خانواده‌های گسسته، به ویژه خانواده‌های از هم گسسته شده بر اثر جدایی یا طلاق، بالاتر از خانواده‌های سالم است (گود<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹ : ۱۶۷-۱۶۶).

<sup>۱</sup> William Good

**نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی**

بر اساس این نظریه، فرایند جامعه‌پذیری گرایش‌ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی می‌کند و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه‌ی مرد و مطیع بودن زن می‌شود، زیرا معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع بودن و در مقابل، مردان نقش سلطه‌گری مردانه را می‌پذیرند (شفر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۹۸ و ۳۲۷).

**نظریه منابع**

ویلیام گود واضع نظریه‌ی منابع در زمینه‌ی خشونت خانوادگی است. بر پایه‌ی این نظریه، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظامی اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده (شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در مسیر امیال خود وادار کند و تصمیم‌گیرهای مهم با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). بر اساس این ایده، پژوهش‌های تجربی در ایران نشان داده‌اند که افزایش منابع قدرت مهم‌ترین عامل مقابله با خشونت مردان در خانواده است (درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۴).

**نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی**

اُبراین و گلس نظریه‌ی منابع گود را تعدیل و بر اساس آن نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی را تدوین کردند. بر اساس این نظریه، اگر شوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نسبت به همسرانشان داشته باشند، به طوری که همسرانشان پایگاه انتسابی آنها را تهدید کنند، از خشونت همچون ابزاری برای حفظ پایگاه انتسابی خود استفاده می‌کنند. بر طبق این نظریه، خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده در همه‌ی طبقات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و این هنگامی است که تفاوتی پایگاهی از نظر آموزش، درآمد و شغل بین زوجین وجود داشته باشد و شوهران از نظر تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی در سطح

---

<sup>۱</sup> Schaeffer

پایین تری از همسرانشان قرار گیرند و احساس کنند که قدرت و پایگاه انتسابی آنها در خانواده با برتری تحصیلی و شغلی همسرانشان تهدید می‌شود (زنگنه، ۱۳۸۰).

### **نظریه‌ی خرده فرهنگ**

بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاصی است شامل: ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقادات که ممکن است خشونت شوهران بر ضد زنان خانواده را تأیید و تقویت کند یا مانع آن شود. در نتیجه، تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران بر ضد زنان را در خانواده افزایش یا کاهش می‌دهد؛ بنابراین، بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، می‌توان برای تبیین خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده متغیرهای مانند تعهد به اعتقادات دینی، شیوه‌ی همسرگزینی مداخله‌ی خویشاوندان را بررسی کرد (همان).

### **نظریه‌ی فمینیستی**

فمینیست‌ها نیز معتقدند که چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت میان زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر بر می‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که پول خانواده چگونه و کجا صرف شود (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۵۸-۱۵۷). بر اساس رویکرد فمینیستی، روابط دو جنس اساساً رابطه‌ی قدرت است؛ رابطه‌ای که در آن، مرد از همسر خود سوء استفاده‌ی فیزیکی، کلامی یا روان‌شناختی کرده و با بکارگیری خشونت، قدرت و سلطه‌ی خود را تداوم می‌بخشد. بدین ترتیب، خاتمه دادن به همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه‌ی قدرت بین زن و مرد در جامعه است (شمس اسفندآباد و امامی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

### **نظریه شبکه روابط خانوادگی**

الیزابت بات به نوعی دیگر از روابط متقابل بین همسران در خانواده‌ها اشاره و دو الگوی متفاوت از روابط خانوادگی را معرفی می‌کند. او الگوی اول را مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی نامگذاری کرده است. این الگو روابطی را توضیح می‌دهد که در آن زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خود هستند و نقش‌های خانوادگی را به دقت تفکیک کرده و منافع، علایق و فعالیت‌های جداگانه‌ای دارند. بات از الگوی دوم با عنوان

مناسبات نقش‌های مشترک نام می‌برد که نقطه‌ی مقابل نظریه‌ی تفکیک نقش‌های پارسونز است. در این نوع از مناسبات، زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها با هم همکاری و همفکری دارند و تضاد منافع و علایقشان حداقل است. نظریه‌ی بات مشخصاً به شبکه‌ی روابط خانوادگی و اجتماعی خانواده اشاره دارد و بدین نتیجه می‌رسد که در خانواده‌هایی که تقسیم وظایف در آنها سنتی است، شبکه‌ی روابط اجتماعی به صورت متصل و محدود ظاهر می‌شود، اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی زندگی می‌کنند، دارای شبکه‌ی اجتماعی پراکنده‌اند در این حالت خشونت به حداقل می‌رسد (روی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۱).

#### *نظریه آثار تعامل*

بر اساس این نظریه، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد که کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند (زبان مشترک) این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز طرفین فقط باید به دلیل متوسل شوند؛ پس، نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیر خشن دلائل است (هابرماس، ۱۳۷۷: ۴۵).

#### *نظریه سنت‌گرایان رادیکال*

اینان معتقدند که زنان خود باعث و بانی خشونتند، زیرا در زمینه‌ی خشونت جنسی، زنان خود متجاوز را وسوسه می‌کنند و مسبب چنین خشونتی می‌شوند. در غرب، این طرز تفکر به این صورت تجلی می‌کند که مرد اجازه دارد همسرش را بزند. مشروط بر اینکه چوب از انگشت شستش ضخیم‌تر نباشد (آلبرت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۲۳).



**نظریه آسیب‌شناسی روانی<sup>۱</sup>**

نظریه‌ی آسیب‌شناسی روانی فرض می‌کند که اشکال متنوع خشونت خانوادگی از قبیل کودک‌آزاری یا همسرآزاری به وسیله‌ی افرادی انجام می‌شود که به صورت جدی به وسیله‌ی بیماری‌های ذهنی و روانی - بی‌نظمی شخصیتی یا بعضی دیگر از نقص‌های فردی مضطرب و پریشان حال شده‌اند. بر طبق این نظریه هیچ تبیینی برای صدمه زدن یک فرد دوست‌داشتنی وجود ندارد، بنابراین هر شوهری که زن خود را آزار دهد (دیوانه) است.

نظریه‌های مطرح شده در این زمینه هر کدام از زاویه‌ی خاصی به تبیین پدیده‌ی خشونت پرداخته‌اند و عوامل زمینه‌ساز آن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما این پدیده چند بعدی و چند وجهی است و نمی‌توان با یک علت واحد آن را تبیین نمود و عوامل متعددی با درجات و شدت معینی در آن سهیم‌اند. لذا در پژوهش حاضر برای تبیین عوامل مختلف مؤثر بر خشونت خانگی از نظریه‌های سطح خرد مانند نظریه‌ی یادگیری اجتماعی<sup>۲</sup>، نظریه‌ی آسیب‌شناسی روانی<sup>۳</sup>، نظریه‌ی منابع و نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی و همچنین نظریه‌ی سطح کلان مانند نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت استفاده می‌شود.

بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی خشونت بین والدین یک مدل برای یادگیری رفتار خشونت‌گرایانه و همچنین برای تناسب چنین رفتاری در خانواده فراهم می‌کند. بنابراین بچه‌هایی که خشونت والدین را تجربه یا مشاهده می‌کند، خشونت در خانواده را بعنوان یک ابزار مناسب برای بیان خشم و کنترل رفتار دیگران می‌پذیرند.

از دیدگاه نظریه‌ی یادگیری اجتماعی در خانواده‌هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد خشونت والدین بوده یا خشونت والدین را تجربه کرده‌اند، احتمال بروز خشونت و یا تن دادن به آن به مراتب بیشتر از خانواده‌های دیگر است؛ بنابراین بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی می‌توان سابقه‌ی مشاهده و تجربه‌ی خشونت توسط افراد در خانواده خاستگاه را مد نظر قرار داد.

بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاص خودش می‌باشد که این عناصر فرهنگی (ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقادات) ممکن است خشونت مردان علیه زنان را در خانواده تأیید و تقویت نماید و یا

<sup>۱</sup> psychopathology theory

<sup>۲</sup> social learning theory

<sup>۳</sup> psychopathology theory

اینکه از آن ممانعت به عمل آورد. بر اساس این نظریه می‌توان متغیرهایی همچون نحوه‌ی انتخاب همسر (شیوه‌ی همسرگزینی) و مداخله‌ی خویشاوندان را در تبیین پدیده‌ی خشونت خانگی مد نظر قرار داد.

بر اساس نظریه‌ی منابع که توسط گود و همکارانش مطرح گردید، اگر منابع در دسترس فرد زیاد باشد فرد دارای زور و قدرت بیشتری است اما عملاً کمتر از خشونت در روابط استفاده می‌کند اما زمانی از آن استفاده می‌کند که سایر منابع کارایی لازم را نداشته و یا در کسب پاسخ‌های مطلوب موفق نیستند. لذا افرادی که فاقد منابعی دیگر مانند درآمد، تحصیلات و ... هستند احتمالاً از خشونت به عنوان یک منبع جهت به دست آوردن قدرت بیشتر در روابط استفاده می‌کنند. بر اساس این نظریه مردانی که منابعی همچون درآمد تحصیلات و اشتغال را ندارند از خشونت علیه زنان به عنوان ابزاری جهت کسب قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌کنند. با استفاده از این تئوری می‌توان متغیرهایی چون درآمد، سطح تحصیلات و اشتغال را بعنوان عوامل وابسته به خشونت مد نظر قرار داد. نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی که توسط (ابراین) و (گلس) مطرح گردید و تا حدودی بر گرفته از نظریه‌ی منابع است معتقد است که اگر شوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نسبت به همسرانشان داشته باشند بطوری که پایگاه انتسابی آنها به وسیله‌ی همسرانشان مورد تهدید واقع شود از خشونت بعنوان ابزاری جهت حفظ پایگاه انتسابی خود استفاده می‌کنند. بر اساس این نظریه وقتی که تفاوت و شکاف پایگاهی از نظر آموزش و تحصیلات، درآمد و شغل بین زن و مرد وجود داشته باشد؛ و مردان در سطحی پایین‌تر از همسرانشان قرار بگیرند و احساس بکنند که پایگاه درون خانواده‌شان به وسیله‌ی همسرشان مورد تهدید و تعرض قرار می‌گیرد احتمال اینکه به خشونت متوسل بشوند زیاد است؛ لذا بر اساس این نظریه می‌توان متغیرهایی مانند تفاوت درآمد - شغل و میزان تحصیلات را برای تبیین خشونت‌های درون خانواده و بین زوجین مد نظر قرار داد.

نظریه‌ی آسیب‌شناسی روانی برای تبیین پدیده‌ی خشونت به جنبه‌های شخصیتی و فردی اشخاص متوسل می‌شود و معتقد است که اشکال متنوع خشونت به وسیله‌ی افرادی انجام می‌شود که به صورت جدی دچار بیماری ذهنی و روانی - وابستگی به مشروبات الکلی و مواد مخدر یا دیگر عوامل غیر عادی درون فردی را مطرح می‌نماید. بر این اساس از این نظریه می‌توان متغیرهای همچون وابستگی به مشروبات الکلی و مواد مخدر را با مسأله‌ی خشونت علیه زنان مرتبط دانست.

## پیشینه پژوهش

## الف) تحقیقات داخلی

در مواردی چند، پژوهش‌های داخلی با موضوعاتی مشابه انجام گرفته و این امر حاکی از اهمیت موضوع مورد بررسی می‌باشد. در اینجا تنها به ذکر نام پژوهش‌های صورت گرفته اکتفا می‌گردد و تنها در برخی موارد توضیحاتی ذکر می‌گردد، که این عناوین شامل: اعزازی با مطالعه‌ی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره‌ی بهزیستی شهر تهران نشان می‌دهد که نیمی از زنان در هفته‌ی اول زندگی مشترک با خشونت فیزیکی آشنا شده‌اند (اعزازی، ۱۳۸۰). گذشته از این آثار پژوهش‌های منطقه‌ای و دانشگاهی متعددی با جامعه‌ی آماری محدودتری انجام شده که به اختصار چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم. امیرمرادی در پژوهشی به بررسی مشکلات جسمی و روانی زنانی پرداخته است که به دست همسرانشان با خشونت روبه‌رو شده‌اند او نشان داد که شایع‌ترین مشکلات جسمی زنان در خشونت‌های خانوادگی کیبودی و کوفتگی بوده است (۹۹٪). همچنین از نظر روانی ۳۴٪ از زنان افسردگی شدید داشته و ۶۵٪ از آنان فاقد عزت نفس بالا بوده‌اند (مرادی، ۱۳۷۵).

الهوردیان (۱۳۸۴)، نیز در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نقده نتایج زیر را بدست آورد: میزان خشونت علیه زنان ۳۲ درصد است و عوامل مؤثر بر آن عبارتند از: سن ازدواج زن، اختلاف سنی زوجین، بعد خانوار، تحصیلات زوجین، درآمد خانوار، نوع شغل شوهر، توزیع نامتقارن قدرت، تجربه و مشاهده خشونت در خانواده پدری شوهر، اعتقاد به پدرسالاری، اعتقادات مذهبی زوجین و اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم. همچنین متغیرهای تجربه و مشاهده خشونت در خانواده‌ی پدری شوهر و اعتقاد مرد به پدرسالاری بیشترین و متغیر پایبندی زوجین به آداب و رسوم کمترین سهم را در تبیین متغیر وابسته ایفا کرده است (الهوردیان، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهش بگرضایی نشان داد که اکثر زنان جامعه‌ی آماری از طرف همسرانشان با خشونت روبه‌رو شده‌اند و شایع‌ترین خشونت در بین آنها خشونت روحی - روانی بوده است (بگرضایی، ۱۳۸۲).

بیات در پژوهشی درباره‌ی زنان آزار دیده‌ی جسمی مراجعه‌کننده به پنج واحد پزشکی قانونی شهر تهران در سال ۱۳۷۸ به این تجربه دست یافت که سابقه‌ی اعتیاد،

زندانی شدن و ارتکاب جرایم گوناگون مرد ارتباط مستقیمی با زن آزاری دارد (بیات، ۱۳۷۸).

ریحان صفت (۱۳۸۲)، در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل مرتبط با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در مراجعین به دادگاه خانواده‌ی شهر تهران نتایج زیر را بدست آورد:

بر اساس نتایج این پژوهش ۶۶ درصد از زنان خشونت اعمال شده از سوی همسرانشان را در حد زیاد بیان کرده‌اند؛ این مطالعه نشان داد که بین مشاهده‌ی خشونت توسط مرد در خانواده‌ی پدری همچنین دخالت خویشاوندان مرد در زندگی زوجین با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (ریحان صفت، ۱۳۸۲).

زنگنه در پژوهشی تحت عنوان "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در شهر بوشهر" نشان داد که متغیرهای سن زن و شوهر، سن ازدواج زن و شوهر، طول مدت ازدواج زوجین، تعداد فرزندان، میزان پایبندی زوجین به اعتقادات دینی، میزان آزادی زوجین در انتخاب همسر، میزان تحصیلات زن و درآمد شوهر دارای رابطه‌ی معکوس و معناداری با خشونت علیه زنان است (زنگنه، ۱۳۸۰).

بیلاق پس از بررسی رابطه‌ی برخی عوامل جمعیت‌شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز دریافت که هر چه میزان تحصیلات مردان و زنان بالاتر باشد و همچنین زنان از زندگی زناشویی رضایت بیشتر داشته باشند خشونت‌ورزی مردان علیه همسرانشان کمتر است (کلانتری و حمیدیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

عارفی (۱۳۸۲)، با بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه نشان داد که زنان ۱۷ تا ۳۲ ساله بیشترین خشونت را تجربه کرده‌اند؛ همچنین ۵۰ تا ۶۰ درصد زنانی که مورد خشونت همسران خود قرار می‌گیرند تحصیلات ابتدایی دارند و ۲۵ درصد آنها بی‌سوادند و نیز ۵۰ درصد از زنان مورد خشونت فیزیکی و جسمی ۷/۲۵ درصد مورد خشونت روانی و ۲/۲۳ درصد مورد خشونت مالی قرار گرفته‌اند (عارفی، ۱۳۸۲).

فتاحی مفرح (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان "خشونت نسبت به زنان در شهر تهران" رابطه‌ی معناداری بین تحصیلات مردان و نیز خشونت نسبت به زنان اعلام کرده است در حالی که در مورد اشتغال زنان در این پژوهش هیچ‌گونه رابطه‌ی معناداری بین اشتغال زنان و خشونت علیه زنان وجود نداشته است؛ همچنین در مورد بعد خانوار و خشونت علیه

زنان نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد یعنی چه بعد خانوار بیشتر باشد، خانواده بیشتر درگیر مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت می‌شود و بیشتر دچار کشمکش و درگیری می‌گردد که این امر زمینه‌ی بروز اختلاف و خشونت را افزایش می‌دهد اما زنانی که پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایینی دارند غالباً خود را متحمل زندگی خشونت بار می‌دانند زیرا پشتوانه‌ی مالی کمتری دارند و در صورت اعتراض و در نهایت جدایی از همسر، آینده‌ی بدتری را در انتظار خود می‌بینند لذا ترجیح می‌دهند در زندگی خود بسوزند و بسازند.

در این پژوهش شواهد حاکی از آن است که ۱۱۰ خانواده‌ای که در آن‌ها میزان خشونت نسبت به زن‌ها زیاد است در ۵۶ خانواده اقتدار مرد خانواده در حد زیاد بوده و هر چقدر میزان اقتدار مرد زیاد باشد میزان خشونت هم زیاد خواهد شد (فتاحی مفرح، ۱۳۷۹).

نتایج همتی (۱۳۸۲)، نشان داد که از بین متغیرهای مستقل، رضایت اجتماعی، عزت نفس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی با خشونت کلی (فیزیکی و عاطفی) دارد و سایر متغیرها (اعتقاد به پدرسالاری، گرایش به همسرآزاری، جامعه‌پذیری خشن) رابطه‌ی غیر مستقیمی را با خشونت کلی نشان می‌دهند. ضرایب همبستگی متغیرها نشان می‌دهد که بین سن ازدواج زنان و خشونت رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد. به عبارت روشن‌تر هر چه سن ازدواج بالا رود احتمال تجربه‌ی خشونت در میان آنها کم‌تر است. میزان تحصیلات زنان و مردان رابطه‌ی منفی معنی‌داری با خشونت علیه زنان دارد. همچنین بین اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه‌ی منفی وجود دارد (همتی، ۱۳۸۲).

مارابی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود به بررسی و شناخت عوامل خانوادگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان کامیاران پرداخته است؛ نتایج حاصله نشان داد که بین متغیرهای تجربه‌ی خشونت، پذیرش خشونت، یادگیری خشونت، پدرسالاری، آشفتگی خانواده، سن زنان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، شغل زوجین، شیوه‌ی انتخاب همسر، عکس‌العمل زنان در مقابل خشونت، شیوه‌های حل اختلاف با همسر و مرزهای بین اعضای خانواده رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده شده است اما بین شهری و روستایی بودن با میزان مشارکت علیه زنان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. این نتایج همچنین نشان داده است که اکثر زنان نمونه‌ی آماری از طرف شوهرانشان مورد شدیدترین انواع خشونت قرار گرفته‌اند

که خشونت روانی ۱۰۰ درصد، خشونت اقتصادی ۸۱/۶ درصد و خشونت جسمی به میزان ۹۵/۳ درصد بوده است (مارابی، ۱۳۸۴).

### ب) تحقیقات خارجی

رایت و همکارانش (۲۰۰۱)، رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و رفتارهای بزهکارانه را بررسی کرده‌اند. داده‌های اولیه‌ی آنان از پیمایش ملی جوانان (NYS) استخراج شده است؛ سن پاسخگویان ۱۱ تا ۲۴ سال است با استناد به نظریه‌ی کلمن یافته‌های آنها نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی در طول زمان میزان بزهکاری را کاهش می‌دهد و تأثیرات بدرفتاری را تعدیل می‌کند؛ همچنین تلاش والدین بر حسب مدت زمان صرف شده و میزان توجه‌ی آنان احتمال ارتکاب رفتارهای بزهکارانه و جامعه‌پذیری توسط همسالان بزهکار را کاهش می‌دهد؛ آنها همچنین نشان داده‌اند که سرمایه‌ی اجتماعی خانواده کنش متقابل و سطح وظایف را افزایش می‌دهد و اساسی را برای کنترل اجتماعی غیر رسمی فراهم می‌سازد (رایت، ۲۰۰۱).

نتایج پژوهش رایت و فیتزپاتریک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، نشان‌دهنده‌ی اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه منبع مهمی است که پیامدهای خشونت و مخصوصاً روابط والدین، فرزندان و دلبستگی به مدرسه را تعدیل می‌کند. اگر چه فرض بر این است که ورزش بیشتر و حضور در باشگاه‌های ورزش گرایش به سوی خشونت را کاهش می‌دهد اما در این پژوهش نتایج چیز دیگری را نشان داده است.

نتایج پژوهش سلمی و کیویوری (۲۰۰۶)، نشان می‌دهد هنگامی که متغیرهای سطح فردی و ساختاری (مثل خود کنترلی) کنترل شده باشد پایین بودن حمایت از سوی والدین پایین بودن کنترل از سوی معلم و پایین بودن اعتماد بین اشخاص با رفتار بزهکارانه همبستگی دارد. کنترل از سوی والدین حمایت معلمان و پیوند بین نسلی با بزهکاری تنها از مدل‌های دو متغیره همبستگی دارد؛ به نظر می‌رسد پیوندهای ضعیف والدین که باعث پیوند نوجوانان به بازار کار پاره‌وقت می‌شود او را در مقابل خطر بزهکاری حمایت نمی‌کند.

<sup>۱</sup> Wright & Fitzpatrick

پژوهش جرم و سرمایه‌ی اجتماعی توسط آدام گریکار<sup>۱</sup> مدیر مؤسسه‌ی جرم‌شناسی استرالیا در سال ۱۹۹۹ انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و جرم است نتیجه‌ای که او از پژوهش خود می‌گیرد. ما نیاز داریم تا:

- ۱- علت‌های بروز جرم را به دست آوریم.
- ۲- زمینه‌ها و فرصت‌های ایجاد کننده‌ی جرم را کاهش دهیم.
- ۳- مسائل خاص جرم را بدست آوریم.
- ۴- کمک به قربانی جرم و کاهش امکان و خطرات جرم بوسیله‌ی سرمایه‌گذاری کردن در سرمایه‌ی اجتماعی از راه‌های زیر:
  - پروورش دادن مردم و افزایش عزت نفس مردم و احساس همگونی آنها در جامعه که باعث حمایت آنها می‌شود البته سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی در استرالیا باعث کاهش در جرائم می‌شود (گریکار، ۱۹۹۹).
  - در پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی روابط افراد عامل مؤثری در رفتار خشونت‌آمیز می‌باشد؛ نکته‌ای که در مورد پژوهشات داخلی و خارجی قابل ذکر می‌باشد این است که در بیشتر پژوهشات صرفاً به سنجه‌هایی با محوریت شبکه و یا با محوریت هنجارها توجه شده است (کریشنا و شریدر، ۱۹۹۹).
  - در مطالعاتی که به جای سرمایه‌ی اجتماعی، صرفاً به شبکه‌ها پرداخته اهمیت و توجه‌ی کافی به ماهیت چند بعدی زمینه‌ی محور و پویای سرمایه‌ی اجتماعی نگردیده و صرفاً با تحلیل و بررسی تنها یک نوع شبکه آن را معرف مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در نظر گرفته‌اند در حالی که حتی اگر شبکه‌های اجتماعی یکی از ابعاد چندگانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی باشند، خود شبکه‌های اجتماعی پدیده‌ای چند بعدی است و ابعاد مختلفی دارد که می‌تواند با ترکیب مجموعه‌ای از شاخص‌های متعدد توضیح داده شود (ساباتینی، ۲۰۰۶).

---

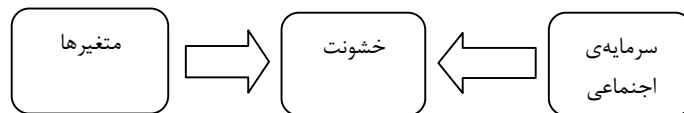
<sup>1</sup> Adam Graycar

### چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، پس از بررسی نظریه‌های محققان مختلف در خصوص سرمایه‌ی اجتماعی، به نظر می‌رسد، نظریه‌های پاتنام و بوردیو ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش دارند. به این دلیل که هر دو اندیشمند تعریفی کارکردی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه کرده‌اند و هر دو تحلیل خود را از سطح خرد شروع می‌کنند و سپس به سطوح میانی و کلان می‌رسند. به طور مثال پاتنام، در بحث از بهترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، به شبکه‌ی افراد تعلق گروهی‌شان اشاره می‌کند و معتقد است که این عنصر در کنار سایر عناصر، موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه در اجتماع می‌شود؛ همچنین وی معتقد است، سرمایه‌ی اجتماعی با شبکه‌ها، هنجارها، اعتمادی است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به طور مؤثرتری با همدیگر کنش داشته باشند و اختلاف مشترک‌شان را پیگیری نمایند. او بر این باور است این منابع خصلتی خود تقویت کننده دارند، باعث ارتقاء همکاری، مشارکت اجتماعی، اعتماد مقابل و رفاه اجتماعی می‌گردند.

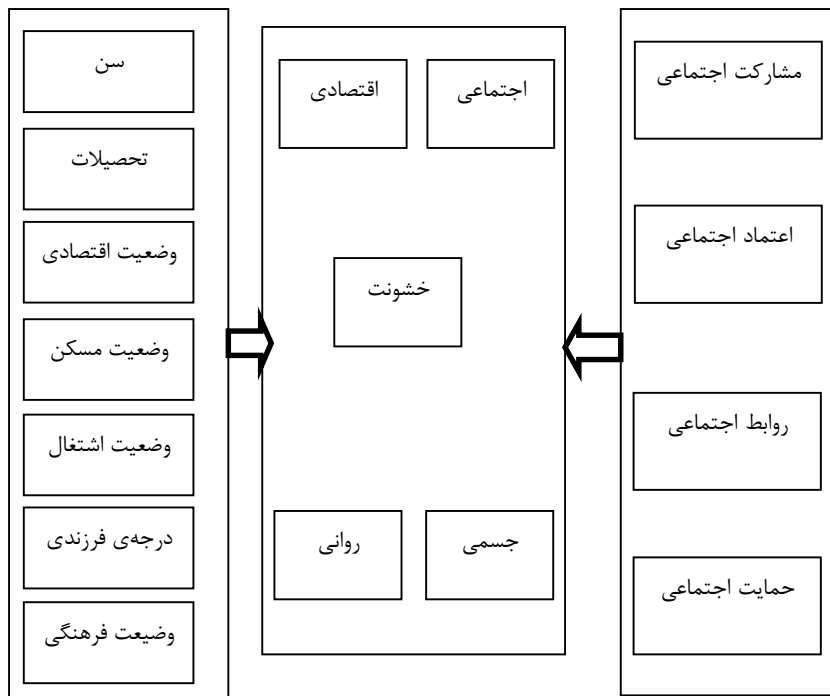
سرمایه‌ی اجتماعی در نظر پاتنام یک رابطه‌ی پیوسته و متقابل بین شبکه‌ی اجتماعی، اعتماد، مشارکت و تعهد است. بوردیو نیز با تأکید بر شبکه‌ی اجتماعی آن را منبعی برای دستیابی به اهداف و تسهیل کنش می‌داند؛ بنابراین در این پژوهش با ادغام نظریه‌های بوردیو و پاتنام سعی شده مدل تحلیل پژوهش با توجه به اهداف پژوهش ساخته شود؛ همچنین با بررسی نظریه‌های مرتبط با خشونت، نظریه‌ی منابع و یادگیری اجتماعی، که هر کدام از این نظریه‌ها به بعضی از عوامل زمینه‌ساز خشونت علیه زنان توجه می‌کند.

### مدل نظری پژوهش





### مدل تحلیلی پژوهش



### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین مشارکت اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین روابط اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۴- بین حمایت اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۵- بین سن و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۶- بین درجه‌ی فرزندی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۷- بین تحصیلات و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۸- بین وضعیت اشتغال و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۹- بین وضعیت فرهنگی خانواده و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

- ۱۰- بین وضعیت اقتصادی خانواده و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۱۱- بین وضعیت مسکن و خشونت علیه زنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۱۲- بین سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی وجود دارد.

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است، در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است، در ابتدا روش اسنادی به منظور گردآوری ادبیات پژوهش به کار گرفته شده است و از روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از جامعه‌ی آماری بهره گرفته شد.

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی زنان متأهل در شهر مشهد هستند. از آنجا که اطلاعات دقیقی در مورد تعداد جامعه‌ی آماری به دست نیامد، برای به دست آوردن حجم نمونه، از رابطه‌ی زیر استفاده شده است.

اگر نسبت موفقیت  $P$  را  $0/5$  در نظر بگیریم حاصل صورت کسر حداکثر خواهد شد. برای رعایت احتیاط، در این پژوهش، نسبت موفقیت را حداکثر در نظر گرفتیم و  $0/07$  حجم نمونه،  $196$  به دست می‌آید؛ اما از آنجا که با در نظر گرفتن ضریب احتمال می‌رفت برخی از پرسشنامه‌ها برگردانده نشود،  $200$  پرسشنامه توزیع شد و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل انجام گرفت.

برای انتخاب نمونه‌ی آماری، سطح مشهد را بر اساس طبقه‌ی اقتصادی در مشهد به  $5$  طبقه تقسیم‌بندی کردیم، روش نمونه‌گیری، روش خوشه‌ای بوده و در هر منطقه مشخص شده، به صورت تصادفی ساده، نمونه انتخاب و پرسشنامه توزیع شد.

### تعیین حجم نمونه برای کل شهر

برای تعیین حجم نمونه در کل شهر مشهد از فرمول زیر به شرح ذیل استفاده شده است:

$$n = \frac{Z^2 \alpha/2pq}{d^2}$$

در فرمول فوق  $p$  برآورد نسبت صفت متغیر با استفاده از مطالعات قبلی برابر  $q=1-p$  می‌باشد.

همچنین

$Z^2$ : سطح اطمینان،  $d$ : میزان خطا و  $n$ : حجم کل نمونه.

در بالا چنانچه  $p$  و  $q$  در دسترس نباشند می‌توان حداکثر مقدار آنها که برابر است با  $0.5$  را در نظر گرفت:

$$d = 0.07 \text{ و } P = 0.5, q = 0.5$$

$$n = \frac{1/96^2 \cdot 0.5 * 0.5}{0.07^2} = 196$$

### ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار سنجش در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت و شاخص ۵ تایی تنظیم شده است. پرسشنامه‌ی تنظیم شده، در ابتدا در گروه کوچکی (به تعداد ۲۰ نفر از گروه آزمایشی) از جامعه‌ی آماری، پیش‌آزمون<sup>۱</sup> و پس از حصول از اصلاحات لازم و حصول اطمینان از روایی<sup>۲</sup> و پایایی<sup>۳</sup> پرسش‌ها و گویه‌های مورد استفاده، به کل افراد نمونه ارائه و توسط آنان تکمیل می‌شود.

### بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

در بحث اعتبار وسیله‌ی اندازه‌گیری چندین نوع مختلف روایی را می‌توان متصور بود که هر کدام با بعد متفاوتی سر و کار دارند. روایی که در این پژوهش استفاده شده است روایی محتوایی است در روایی محتوا تأکید بر این است که معرفی‌ها تا چه اندازه وجوه مختلف مفهوم را می‌سنجند روایی محتوایی پرسشنامه به وسیله‌ی استادان محترم راهنما و مشاور و همچنین دیگر کارشناسان خبره تأیید شد.

<sup>1</sup> pre-test

<sup>2</sup> validity

<sup>3</sup> reliability

در مورد سنجش میزان پایایی<sup>۱</sup> ابزار گردآوری داده‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی هر وسیله‌ی اندازه‌گیری به ثبات، همسازی و هماهنگی درونی آن بستگی دارد. پایاترین وسیله‌ی اندازه‌گیری، وسیله‌ای است که از کاربرد تکراری آن، نتایج صد در صد واحدی به دست می‌آید (دیانی، ۱۳۷۸: ۱۴۶۹).

در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ی محقق بررسی، ۲۰ نفر از زنان متأهل را به صورت پایلوت اجرا می‌کند و پس از استخراج شاخص‌های لازم یعنی آماری ( $N$ ) و ارماین هر یک از سؤالات، همبستگی و تجانس درونی هر سؤال با کل تست و با تأکید بر ضریب آلفای کرونباخ دارای ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب می‌باشد؛ سپس اقدام به اجرای نهایی پرسشنامه بر روی نمونه‌های مورد نظر گردیده است. این روش برای محاسبه‌ی هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود. در واقع آلفای کرونباخ برای سنجش همبستگی گویه‌های یک سازه، نسبت به آن سازه بکار می‌رود. البته این امر به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و قدرت و دقت بالای آن انجام شد. آلفای بدست آمده از کل متغیرهای پرسشنامه ۰/۹۲، می‌باشد که در حد نرمال می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

**فرضیه‌ی ۱:** بین مشارکت اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است:

**جدول ۱:** ضرایب همبستگی بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان خشونت علیه زنان

مقدار ضریب همبستگی	-۰/۰۱۶
مقدار احتمال	۰/۸۳۴
تعداد نمونه	۱۸۰

<sup>۱</sup> reliability

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $0/016$  - بوده است و مقدار احتمال  $0/834$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد نمی‌شود یعنی همبستگی معناداری بین مشارکت اجتماعی و خشونت علیه زنان وجود ندارد.

**فرضیه‌ی ۲:** بین اعتماد اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۲:** ضرایب همبستگی بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان خشونت علیه زنان

$-0/405$	مقدار ضریب همبستگی
$0/000$	مقدار احتمال
۱۷۴	تعداد نمونه

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $-0/405$  - بوده است و مقدار احتمال  $0/000$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود یعنی همبستگی معناداری بین اعتماد اجتماعی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر  $-0/405$  - و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه اعتماد اجتماعی بین زوجین بیشتر است خشونت علیه زنان کمتر می‌باشد.

**فرضیه‌ی ۳:** بین روابط اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۳:** ضرایب همبستگی بین میزان روابط اجتماعی و میزان خشونت علیه زنان

$-0/354$	مقدار ضریب همبستگی
$0/000$	مقدار احتمال
۱۷۵	تعداد نمونه

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $0/354$  - بوده است و مقدار احتمال  $0/000$  می‌باشد.

پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود یعنی همبستگی معناداری بین روابط اجتماعی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر  $0/354$  - و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه روابط اجتماعی بین فرد بیشتر است خشونت علیه او نیز کمتر می‌باشد.

**فرضیه‌ی ۴:** بین حمایت اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۴:** ضرایب همبستگی بین میزان حمایت اجتماعی و میزان خشونت علیه زنان

$-0/406$	مقدار ضریب همبستگی
$0/000$	مقدار احتمال
۱۸۸	تعداد نمونه

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $0/406$  - بوده است و مقدار احتمال  $0/000$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود یعنی همبستگی معناداری بین حمایت اجتماعی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر  $0/406$  - و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه حمایت اجتماعی از زنان بیشتر باشد خشونت علیه آنها نیز کمتر می‌شود.

**فرضیه‌ی ۵:** بین اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۵:** ضرایب همبستگی بین میزان اختلاف سنی زوجین و میزان خشونت علیه زنان

مقدار ضریب همبستگی	-۰/۰۲۴
مقدار احتمال	۰/۷۴۷
تعداد نمونه	۱۸۲

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $-۰/۰۲۴$  بوده است و مقدار احتمال  $۰/۷۴۷$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد نمی‌شود؛ یعنی همبستگی معناداری بین اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان وجود ندارد.

**فرضیه‌ی ۶:** بین درجه‌ی فرزندی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۶:** ضرایب همبستگی بین درجه‌ی فرزندی و میزان خشونت علیه زنان

مقدار ضریب همبستگی	-۰/۰۲۴
مقدار احتمال	۰/۷۵۹
تعداد نمونه	۱۶۴

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $-۰/۰۲۴$  بوده است و مقدار احتمال  $۰/۷۵۹$  می‌باشد؛ پس فرضیه‌ی صفر رد نمی‌شود؛ یعنی همبستگی بین معناداری بین درجه‌ی فرزندی و خشونت علیه زنان وجود ندارد.

**فرضیه‌ی ۷:** بین تحصیلات زنان و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه‌ی تحصیلات زنان و خشونت علیه آنها در خانواده زنان را به دو دسته تحصیلات دانشگاهی و تحصیلات کمتر از آن تقسیم‌بندی کرده و از آزمون  $t$  مستقل برای آزمون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

**جدول ۷:** مقایسه‌ی میانگین ( $t$ -test) میزان خشونت علیه زنان در بین زنان دانشگاهی و زنان

دیپلم و کمتر از آن

مقدار احتمال	درجه‌ی آزادی	آماره‌ی $t$	انحراف استاندارد	میانگین خشونت	تعداد نمونه	
۰/۰۲۲	۱۸۷	۲/۳۰۱	۱/۰۲	۰/۱۰۹	۱۳۲	دیپلم یا کمتر از آن
			۰/۹۰۵	-۰/۲۵۲	۵۷	تحصیلات دانشگاهی

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که مقدار آماره‌ی  $t$  برابر ۲/۳۱ و مقدار احتمال ۰/۰۲۲ می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی رابطه‌ی معناداری بین تحصیلات زنان و خشونت علیه آنها وجود دارد با توجه به میانگین خشونت در دو گروه می‌توان گفت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی خشونت کمتری بر علیه‌شان اتفاق می‌افتد.

**فرضیه‌ی ۸:** بین وضعیت اشتغال زنان و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه‌ی وضعیت اشتغال زنان و خشونت علیه آنها در خانواده، زنان را به دو دسته شاغل و غیر شاغل تقسیم‌بندی کرده و از آزمون  $t$  مستقل برای آزمون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

مقدار احتمال	درجه‌ی آزادی	آماره‌ی $t$	انحراف استاندارد	میانگین خشونت	تعداد نمونه	
۰/۶۰۸	۱۸۶	-۰/۵۱۴	۰/۹۹	-۰/۰۵۵	۵۹	شاغل
			۱/۰۱	۰/۰۲۶	۱۲۹	غیر شاغل

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که مقدار آماره‌ی  $t$  برابر -۰/۵۱۴ و مقدار احتمال ۰/۶۰۸ می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد نمی‌شود؛ یعنی رابطه‌ی معناداری بین وضعیت اشتغال زن و خشونت علیه او وجود ندارد.



**فرضیه ۹:** بین وضعیت فرهنگی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

مقدار ضریب همبستگی	-۰/۱۹۸
مقدار احتمال	۰/۰۰۸
تعداد نمونه	۱۷۸

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $-۰/۱۹۸$  بوده است و مقدار احتمال  $۰/۰۰۸$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی همبستگی معناداری بین وضعیت فرهنگی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر  $-۰/۱۹۸$  و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه فرهنگ خانوار بالاتر باشد خشونت علیه زنان خانواده کمتر می‌شود.

**فرضیه ۱۰:** بین وضعیت اقتصادی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

مقدار ضریب همبستگی	-۰/۲۴
مقدار احتمال	۰/۰۰۶
تعداد نمونه	۱۳۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر  $-۰/۲۴$  بوده است و مقدار احتمال  $۰/۰۰۶$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی همبستگی معناداری بین وضعیت اقتصادی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر  $-۰/۲۴$  و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است.

یعنی هر چه وضعیت اقتصادی خانواده بهتر است خشونت علیه زنان خانواده کمتر می‌شود. این موضوع بیان می‌کند که یکی از علل خشونت علیه زنان وضعیت اقتصادی می‌باشد.

**فرضیه ۱۱:** بین وضعیت مسکن خانواده و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی وضعیت مسکن و خشونت علیه زنان در خانواده، وضعیت مسکن را به دو گروه مالک و مستأجر تقسیم‌بندی کرده و از آزمون  $t$  مستقل برای آزمون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

مقدار احتمال	درجه‌ی آزادی	آماره‌ی $t$	انحراف استاندارد	میانگین خشونت	تعداد نمونه	
۰/۰۲۴	۱۸۴	-۲/۲۸۲	۰/۸۱	-۰/۱۵	۱۰۲	مالک
			۱/۱۸	۰/۱۸۱	۸۴	مستأجر

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که مقدار آماره‌ی  $t$  برابر  $-۲/۲۸۲$  و مقدار احتمال  $۰/۰۲۴$  می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی رابطه‌ی معناداری بین وضعیت مسکن و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به میانگین خشونت در دو گروه می‌توان گفت خانواده‌هایی که وضع مالی بهتری دارند و مالک منزل خود هستند خشونت کمتری علیه زنان خود بکار می‌گیرند.

**فرضیه ۱۲:** بین سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. خروجی آن به صورت زیر است.

-۰/۴۴۹	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	مقدار احتمال
۱۵۶	تعداد نمونه

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان همبستگی برابر ۰/۴۴۹- بوده است و مقدار احتمال ۰/۰۰۰ می‌باشد. پس فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی همبستگی معناداری بین سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت علیه زنان وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی برابر ۰/۴۴۹- و منفی می‌باشد نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معکوس بین دو متغیر است. یعنی هر چه سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر است خشونت علیه زنان کمتر می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به نتایجی که از آزمون فرضیات این پژوهش بدست آمد می‌توان نتیجه گرفت فرهنگ اجتماعی بالاتر، برخورداری از سرمایه و منابع اجتماعی بالاتر سبب کاهش اعمال خشونت نسبت به زنان می‌گردد، چرا که بنا به گفته‌ی هیرشی کج‌رفتاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف شده و یا گسسته شود در واقع پیوند اجتماعی قوی، فرد را از کج‌رفتاری باز می‌دارد.

همچنین برای جلوگیری از این اعمال خشونت‌ها، زنان نیز باید بطور مستمر خود را ارتقاء بخشیده و در کسب منابع اجتماعی همچون تحصیلات بالاتر، شغل، درآمد، مهارت و اطلاعات بیشتر بکوشند تا بدین‌وسیله بتوانند از اعمال زور و خشونت نسبت به خویش جلوگیری کنند.

همان‌طور که گفتیم سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی، دوستان و خویشاوندان، رفتارهای مبنی بر عمل متقابل، داوطلب شدن، از خودگذشتگی و اعتماد نهفته است. پیوندهای خانوادگی قوی‌تر، عضویت در شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی همچون دوستان، گروه‌های ورزشی دوستانه، گروه‌های کوهنوردی، از خودگذشتگی برای کمک به هم‌نوع خود و ... می‌تواند در ایجاد همبستگی گروهی، بروز رفتارهای اجتماعی بهتر نسبت به اعضای خانواده، دوستان و ... بسیار مؤثر واقع شود. فرد بدین وسیله است که از اعتماد اجتماعی بالاتری نسبت به نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و افراد جامعه کسب می‌نماید؛ همچنین سرمایه‌ی اجتماعی قوی باعث بوجود آمدن فرهنگ مدنی قوی و بستر شکل‌گیری دموکراسی و رشد اقتصادی می‌شود.

پاتنام معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی اثرات نیرومندی بر ابعاد گوناگون زندگی دارد. برخی از این اثرات عبارتند از: میزان پایین آمدن جرم و جنایت، تعهدات بهتر، طول

عمر بیشتر، سطوح برابر درآمدی، رفاه بیشتر برای کودکان و سوء استفاده کمتر از آنها، فساد اداری کمتر و عملکرد بهتر. همه‌ی اینها در زندگی شخصی فرد تأثیرات مثبت بسیاری بجا می‌گذارد.

### پیشنهادهای پژوهش

خشونت علیه زنان در جوامع متمدن امروزی احتمال دارد که رو به کاهش گذارده باشد اما در مواردی ممکن است به صورت پنهان این عمل از طرف مردان اعمال گردد. لذا این پژوهش با توجه به این مورد و جلوگیری از بروز این اعمال منافی حقوق یک انسان آزاد به نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار پیشنهاد می‌نماید که در زمینه‌های ذیل توجه و عنایت خاصی را مبذول دارند:

- ۱- ایجاد نهادهایی که زنان مورد خشونت همسرانشان را مورد شناسایی قرار داده و در جهت حمایت از آنان برنامه و راهکارهایی را اجرا کنند.
- ۲- ایجاد نهادهایی که فرهنگ والای نظام اجتماعی و دستیابی به منابع غنی سرمایه‌ی اجتماعی را به مردان آموزش داده و بدین ترتیب موجب رفع مشکلات در خانواده‌ها گردد.
- ۳- آموزش از طریق رسانه‌ها برای خانواده و تقویت فرهنگ جامعه در جهت از بین بردن کاستی‌ها و جانشین کردن آموزه‌های دینی.
- ۴- برخورد قانونی با خشونت.
- ۵- اصلاح قانون در جهت تغییر الگوهای مردسالارانه و بالا بردن فرهنگ برابری در جامعه.
- ۶- شناخت باورهای غلط در زمینه‌ی روابط زن و مرد و آموزش زوجین به حقوق زنان و چگونگی رفتار با همسر، درگیر کردن نهادهای اجتماعی چون صدا و سیما جهت آموزش و ایجاد آگاهی.

### پیشنهادهای پژوهش‌های آتی

به دانشجویانی که قصد انجام کار پژوهش در این حوزه را دارند پیشنهاد می‌گردد که در زمینه‌های مختلف از جمله موارد ذیل به پژوهش بپردازند:

- ۱- شناسایی منابع سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی ایرانی - اسلامی و استفاده از آموزه‌های دینی در جهت تقویت فرهنگ خانواده‌ها.
- ۲- بررسی انواع خشونت علیه زنان و شناسایی راه‌های رفع آنان.

**فهرست منابع:**

- آبو، پاملا و والاس ماکلر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- استونر، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- الهوردیان عیدی، محمد (۱۳۸۴). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نرده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- امیرمردادی، فرشته (۱۳۷۵). بررسی مشکلات جسمی و روانی زنان مضروب تحت خشونت همسران مراجعه به پزشکی قانونی استان تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی پرستاری و مامایی تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰). "سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت شهری"، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۷.
- بورديو، پيیر (۱۳۸۰). نظریه‌ی کنش، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- بیا، فرزانه (۱۳۷۸). بررسی قربانیان زن آزادی مراجعه‌کننده به پنج واحد پزشکی قانونی استان تهران، همشهری، سال هفتم، شماره‌ی ۱۹۱۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، تهران، نشر نی.
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۷۸). "چرا به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟"، فصلنامه‌ی زنان، شماره‌ی ۵۶.
- دیانی، محمدحسین (۱۳۸۴). "روش‌های تحقیق در کتابداری"، انتشارات کتابخانه‌ی رایانه‌ای.
- روی، ماریا، (۱۳۷۷). زنان کتک‌خورده: روانشناسی خشونت خانواده، ترجمه‌ی مهدی داغی، نشر علمی ۲۳ و ۲۱.
- ریحان‌صفت، تهمینه (۱۳۸۳). بررسی عوامل مرتبط با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در مراجعین به دادگاه خانواده‌ی شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی.

- زنگنه، محمد (۱۳۸۰). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده (مطالعه‌ی موردی: شهر بوشهر)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- سازمان بهداشت جهانی (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان، ترجمه‌ی شهرام رفیعی‌فر و سعید پارس‌نیا، تهران، نشر تندیس.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). سرمایه‌ی اجتماعی: تعاریف، ابعاد، پیامدها، تهران، نشر نی.
- شمس، اسفندآباد (۱۳۸۲). "بررسی میزان رواج همسرآزاری، عوامل مؤثر بر آن"، پژوهش زنان، فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و پژوهشات زنان دانشگاه تهران.
- عارفی، مرضیه (۱۳۸۲). "بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه"، مطالعات زنان، سال اول، شماره‌ی ۲.
- فتاحی مفرحی، مریم (۱۳۷۹). "بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، ترجمه‌ی غلام‌عباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه‌ی ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم (بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه‌ی غلام‌عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- فوروارد، سوزان (۱۳۷۷). مردان زن ستیز، ترجمه‌ی شیما نعمت‌اللهی، انتشارات خجسته.
- قاسم‌زاده، ف. (۱۳۷۵). "بد رفتاری با زنان"، مجله‌ی سالم، شماره‌ی ۲۸.
- کلانتری صمد و حمیدیان اکرم (۱۳۸۷). "بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تأکید خشونت خانگی در اصفهان"، فصلنامه‌ی توسعه انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دروه‌ی دوم، شماره‌ی ۴.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منصور صبوری، تهران، نشر نی.
- مارابی، محسن (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان کردستان (مطالعه‌ی موردی: شهرستان کامیاران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۷). کنش ارتباطی، بدیل خشونت، ترجمه‌ی ابراهیم سلطانی، درکیان، شماره‌ی ۴۵.

همتی، رضا (۱۳۸۲). "عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان (مطالعه‌ی موردی: خانواده‌های تهرانی)"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی ۱۲.

Bourdieu, P, (1986). The forms of capital, in, j, G, Richardson (ed), Hand book of Theory and research for the sociology of education, New York, London, Green wood Press.

Coleman, j. (1998). "Social Capital in the creation of human capited", American journal of sociology, Vol, 94.

Good William j. (1989). The family, second edition, new dehli, prentice hall of India.

Lin, Nan (1999). Building and network theory of social capital in, Nam Lin, katern Cook and Ronald S. Burt, social Capital: Theory and Researh, New York. A; dome de Grug ter.

Patnam, R. (1993). "The prosperous community, social capital and public life", The American prospel, 4, 13, 11-18.

Patnam Robert D. (1993). Making democracy work Princeton university pass.

Winter, B. (2000). "Towards a theorized under standing of family life and social capital", working paper, No. 21 April.

Wright, Darlene R.Fizpatrick, Kevin M. (2006). "Social capital and addes cent viotent Behavior", social Forces, 84, 1435-1453.

White. j. (2001). Mental health concepts and still. Skonline, salemkeizer Public schools.